

پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید

السؤال / ۱۵: أنتم الشيعة تقولون: بأن السفراء أربعة وانقطعت بعدها السفارة، فكيف تثبت بالدليل النقلی والعقلی من (القرآن، والتوراة، والإنجيل) بأنك سفیر رقم (۵)؟

reta jorz - امرأة مسيحية - ۲۵ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

شما شیعیان معتقدید که سفرای امام زمان چهار نفر هستند و بعد از آن، سفارت قطع شده است. چطور با دلیل عقلی و نقلی از قرآن، تورات و انجیل ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید؟!

Reta Jorz - زن مسیحی - ۲۵ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

في التوراة سفر الملوك الثاني الأصحاح الثاني: (وكان عند إصعاد الرب إيليا في العاصفة إلى السماء وأخذ إيليا رداءه ولفه وضرب الماء فانفلق إلى هنا وهناك فعبر كلاهما في اليبس ولما عبرا قال إيليا ليشع اطلب ماذا أفعل لك قبل أن أؤخذ منك فقال اليشع ليكن نصيب اثنين من روحك علي فقال صعبت السؤال فإن رأيتني أؤخذ منك يكون لك كذلك وإلا فلا يكون وفيما هما يسيران ويتكلمان إذا مركبة من نار وخيل نزلت ففصلت بينهما فصعد إيليا في العاصفة إلى السماء وكان اليشع يرى وهو يصرخ يا أبي يا أبي مركبة إسرائيل وفرسانها ولم يره بعد ...).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

در تورات دوّمین سفر پادشاهان اصحاح دوّم آمده است: « ۱ و چون پروردگار اراده نمود تا ایلیا را در گردباد به آسمان برد... ۸ و ایلیا ردایش را گرفت و آن را پیچاند و آن را

به آب زد و آب به این سو و آن سو شکافته شد و هر دویشان به خشکی عبور نمودند ۹ و هنگامی که عبور کردند، ایلیا به یسع گفت: قبل از اینکه از تو گرفته شوم آنچه را می خواهی برای انجام دهم، بخواه. پس یسع گفت: نصیب مضاعف روح تو بر من شود ۱۰ پس ایلیا گفت: درخواست بزرگی طلب نمودی! پس اگر هنگامی که من از نزد تو گرفته می شوم، مرا ببینی، برای تو چنین خواهد شد وگرنه نخواهد شد. ۱۱ و چون این دو راه می رفتند و صحبت می کردند، ناگهان اربابه ی آتشین و اسبان نزول کردند و پینشان جدایی انداخت. پس ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت ۱۲ و یسع این صحنه را می دید و او فریاد می زد: پدر! پدر! اربابه ی اسرائیل و سوارانش! و دیگر او را ندید...».

هذا هو حال نبي الله ورسوله إيليا (ع) وهو مرفوع، ولم يمت إلى الآن ويعمل في الأرض أعمالاً كثيرة لله سبحانه وتعالى، ولكن لا يراه أهل الأرض؛ لأنهم عميان وإن كانت عيونهم مفتوحة، وأيضاً نظير إيليا (ع) الخضر (ع) وهو أيضاً مرفوع وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض، وعيسى (ع) كذلك مرفوع وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض، والإمام المهدي (ع) محمد بن الحسن (ع) كذلك وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض.

این وضعیت پیامبر خدا و فرستاده اش ایلیا(ع) است. که مرفوع می باشد. و تا حالا نمرده است و در زمین کارهای زیادی را برای خداوند سبحان و متعال انجام می دهد؛ ولی ساکنان زمین او را نمی بینند، چون کور هستند اگر چه چشمانشان باز است و نیز مانند ایلیا(ع)، خضر(ع) می باشد که او نیز مرفوع است و به دستور خداوند سبحان وظایفی در زمین دارد و همچنین عیسی(ع) که مرفوع است و اعمالی به امر خداوند سبحان در زمین دارد و امام مهدی(ع) محمد بن الحسن(ع) که او نیز مرفوع است و به امر خداوند سبحان، وظایفی در زمین دارد.

وفي بداية رفع عيسى (ع) أرسل أوصيائه ورسلاً من عنده لتثبيت الحق الذي جاء به من عند الله سبحانه ونشر دين الله في أرضه، ومن هؤلاء: شمعون الصفا، أو كما هو اسمه في الإنجيل سمعان بطرس، وكذلك يوحنا البربري، أو كما هو في الإنجيل يوحنا اللاهوتي.

در آغاز غیبت عیسی (ع)، جانشینان و فرستادگان وی فرستاده شدند تا حقیقتی را که عیسی (ع) از جانب خداوند آورده بود تثبیت کنند و دین خداوند را روی زمین منتشر نمایند. از جمله‌ی ایشان، «شمعون صفا» یا آن گونه که در انجیل نامیده شده است «سمعان بطرس» و همچنین «یوحنا بربری» که اسمش در انجیل «یوحنا لاهوتی» است، می‌باشند.

ثم إن الرسالة من عيسى (ع) انقطعت ولا يعني انقطاعها فترة من الزمن انقطاعها إلى الأبد، فلا يوجد دليل عقلي أو نقلي يؤيد هذا الغرض، بل الدليل على عكسه، وهو إرسال عيسى (ع) من يمثله إذا حان وقت عودته واقتربت القيامة الصغرى، وسأورد الدليل فيما يأتي إن شاء الله.

سپس رسالت عیسی (ع) متوقف شد؛ ولی اینکه مدتی رسالت ایشان متوقف شود به این معنی نیست که تا ابد خاتمه یافته است. هیچ دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که این موضوع را تأیید کند بلکه دلایلی وجود دارد که عکس این قضیه را ثابت می‌نماید؛ از جمله اینکه عیسی (ع) هنگام بازگشتش و نزدیک شدن قیامت صغری، کسی را که تمثیلی از او است، ارسال می‌کند؛ که انشاء الله دلیلش را خواهم آورد.

أما بالنسبة للإمام المهدي (ع)، فقد أرسل سفراءه الأربعة في غيبته الصغرى التي استمرت ما يقارب السبعين عاماً، ثم انقطعت السفارة والإرسال من الإمام المهدي (ع)، وأيضاً لا يدل انقطاعها فترة من الزمن انقطاعها إلى الأبد، بل الدليل على إرساله رسولاً عنه (ع) يمثله إذا اقترب قيامه وحان وقت القيامة الصغرى، وسأورد الدليل فيما يأتي إن شاء الله.

اما در خصوص امام مهدی (ع)، سفرای چهارگانه‌اش را در مدت غیبت صغری فرستاد؛ غیبتی که نزدیک هفتاد سال طول کشید. سپس سفارت و ارسال از جانب امام مهدی (ع) متوقف شد و در اینجا هم توقف برای مدتی به معنای خاتمه یافتن آن برای همیشه نیست؛ بلکه دلیلی وجود دارد که وقتی قیام امام مهدی (ع) نزدیک شود و هنگامه‌ی قیامت صغری برسد، فرستاده‌ای از جانب که خود تمثیلی از او می‌باشد، می‌فرستد، که انشاء الله دلیل را خواهیم آورد.

والآن وقبل بحث مسألة الدليل على إرسالهم رسولا عنهم يمثلهم، لنبحث أمر هؤلاء الأربعة (ع)، أي الخضر وإيليا وعيسى ومحمد بن الحسن المهدي (ع) هل هم واحد أم أنهم مفترقون؟

حال قبل از اینکه دلیل ارسال فرستاده‌ای از سوی ایشان که تمثیلی از این چهار نفر یعنی خضر، ایلیا، عیسی و محمد بن الحسن المهدي (ع) باشد را بیاورم، باید بینیم که آیا مأموریت آنها یکی است یا با هم فرق می‌کند؟

والحق أنّ أمرهم واحد، وهم متحدون وغير مفترقين ولا اختلاف بينهم؛ لأنّ ربهم واحد ودينهم واحد وهو التسليم لله سبحانه، وجميعهم يدعون لله وبأمره يعملون، والحق الذي يدعون إليه واحد وغايتهم واحدة؛ وهي القيامة الصغرى، وهدفهم وهدفهم واحد؛ وهو نشر القسط والعدل والتوحيد وعبادة الله في هذه الأرض من حيث يريد سبحانه وتعالى، فهم متحدون لا اختلاف بينهم، ويطلبون غاية واحدة وهدفاً واحداً، وربهم وإلههم واحد، فلا بد أن يكون الرسول منهم جميعاً واحداً، وهو أيضاً رسول من الله؛ لأنهم بأمر الله يعملون، فمن يمثلهم يمثل الله، ومن يخلفهم في الأرض يخلف الله سبحانه؛ لأنهم خلفاء الله في أرضه.

حقیقت این است که مأموریت اینان یکی است و آنها متحد هستند و هیچ اختلافی بین آنها وجود ندارد؛ چرا که پروردگارشان یکی و دینشان نیز یکی است؛ یعنی تسلیم شدن در برابر خداوند سبحان و متعال. همه‌ی آنها به سوی خداوند فرامی‌خوانند و به

دستور و فرمان او عمل می‌کنند. حقیقتی که به آن فرا می‌خوانند یکی است و غایت آنها که همان قیامت صغری می‌باشد نیز یکسان است و هدفشان نیز یکی است؛ یعنی نشر عدالت و توحید و بندگی خداوند در روی زمین آن گونه که مورد پسند خداوند سبحان و متعال است. پس اینان متحدند و هیچ اختلافی بینشان نیست، غایت و هدف یکسانی را طلب می‌کنند و پروردگار و خدایشان نیز، یکی است، پس باید فرستاده‌ی همگی‌شان نیز یکی باشد و در عین حال، او فرستاده‌ای از جانب خداوند نیز می‌باشد؛ چرا که ایشان به فرمان خداوند عمل می‌کنند و نماینده‌ی آنها، نماینده‌ی خداوند و جانشین آنها روی زمین، جانشین خداوند می‌باشد؛ چرا که آنها، جانشینان خداوند در روی زمینش می‌باشند.

والآن لنورد الأدلة على أنهم يرسلون رسولا عنهم (ع) إذا حان وقت القيامة الصغرى ودولة العدل الإلهي، ولنكتفي ببعض الأدلة لضيق المقام عن التفصيل. حال دلایلی را ارایه می‌نماییم که هنگام قیامت صغری و برپایی دولت عدل الهی، آنها فرستاده‌ای را از جانب خود می‌فرستند؛ فقط چند دلیل می‌آوریم و تفصیل مطلب در این مقام نمی‌گنجد.

الأول: في القرآن، وأحاديث الرسول محمد (ص)، وأحاديث الأئمة (ع).

اَوَّل: در قرآن، احادیث پیامبر (ص) و احادیث ائمه (ع):

(أ) في القرآن:

۱- قال تعالى: (فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ

رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ([42]).

الف - در قرآن:

۱ - خداوند متعال می‌فرماید: (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور * ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده‌ایم * کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشن‌تر بر آنها مبعوث شد * سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته * عذاب را اندکی برمی‌داریم و شما باز به آیین خویش بازمی‌گردید * روزی آنها را به صولتی سخت فرو گیریم که ما انتقام گیرنده‌ایم)([43]).

وهذا الدخان عذاب، والعذاب يسبق برسالة، قال تعالى: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا)([44]).

این دود، عذابی است و عذاب بعد از فرستاده شدن فرستاده‌ای واقع می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: (و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده‌ای بفرستیم)([45]).

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب هو عقوبة على تكذيب رسول أرسل للمعذبين وهو بين أظهرهم، كما هو واضح من الآيات: (ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ).

همچنین این دود یا عذاب، مجازات تکذیب کردن فرستاده‌ای است که برای آنها فرستاده شده در حالی که فرستاده، در میانشان است، همان طور که به وضوح در آیه قرآن مشخص می‌باشد: (سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته).

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب يكشف لإيمان أهل الأرض بهذا الرسول بعد أن أظلمهم، كما أظلم العذاب قوم يونس (ع) أو يونان.

و نیز این دود یا عذاب پس از سایه افکندن، ایمان ساکنان زمین را به این فرستاده آشکار می کند همان طور که عذاب بر قوم یونس (ع) یا یونان سایه افکند.

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب مقارن للقيامة الصغرى، بل هو البطشة الصغرى كما هو واضح في الآية، فليس بعده إلا البطشة الكبرى والانتقام من الظالمين.

همچنین این دود یا عذاب، مقارن با قیامت صغری می باشد و همان گونه که در آیه واضح است، همان حمله‌ی کوچک (بطشه صغری) می باشد و پس از آن چیزی جز حمله‌ی بزرگ (بطشه کبری) و انتقام از ظالمین نخواهد بود.

إذن فالدخان من علامات قيام القائم [46]، وهذا ورد عن الأئمة (ع)، وهو مقترب برسول، بل هو بسبب تكذيب أهل الأرض لهذا الرسول، فهو عقوبة لهم (أَنِّي لَهُمُ الذُّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ).

بنابراین دود (دخان) از نشانه‌های قیام قائم (ع) که در سخنان ائمه (ع) نقل شده است و هم‌زمان با آمدن فرستاده‌ای می باشد؛ بلکه به دلیل تکذیب این فرستاده از سوی ساکنان زمین واقع می شود. پس عقوبتی برای آنها می باشد: (کجا پند می پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد).

فمن هو هذا الرسول؟ ومن مرسل هذا الرسول؟

این فرستاده کیست؟ ارسال کننده‌ی این فرستاده کیست؟

۲- وقال تعالى: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

* وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ([47]).

۲ - خداوند متعال می‌فرماید: (به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان. خدا را تسبیح می‌گویند هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است، آن فرمانروای پاک پیروزمند حکیم را * او است خدایی که میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند * و بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و پیروزمند حکیم است * این نعمت خداوند است که به هر که خواهد ارزانش دارد و خدا را بخشایشی است بزرگ) ([48]).

أَيُّ وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ، سِيرَسَلْ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ، يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

یعنی بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند، در بینشان فرستاده‌ای از خودشان خواهد فرستاد تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنها را پاک سازد و به آنان کتاب الهی و حکمت خداوند را بیاموزد.

وَقَطْعاً لَا يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ مُحَمَّدًا (ص) هُوَ أَيْضاً يَتْلُو عَلَى الْآخِرِينَ الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدَ رَجُوعِهِ إِلَى اللَّهِ، فَلَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ هُنَاكَ رَسُولٌ وَأَيْضاً فِي الْأَمِّيِّينَ، أَيُّ فِي أُمَّ الْقُرَى فِي زَمَانِهِ، وَلِهَذَا هَذِهِ الصِّفَاتُ يَتْلُو الْآيَاتِ وَيُزَكِّي النَّاسَ، أَيُّ يَطْهَرُهُمْ فَيَنْظُرُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ.

به طور قطع امکان ندارد حضرت محمد(ص) بعد از رحلتش به سوی خداوند آیات خداوند را بر دیگران (نسل‌های بعدی) بخواند، پس باید بعد از او فرستاده‌ای باشد؛ فرستاده‌ای از امیّین یعنی امّ القریّی زمان خودش و این صفات را داشته باشد که آیات

خداوند را تلاوت کند و مردم را پاک سازد؛ یعنی آنها را پاکیزه گرداند تا در ملکوت آسمان‌ها نظاره کنند، و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد.

۳- قال تعالى: (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) ([49]).

۳ - خداوند می‌فرماید: (و هر امتی فرستاده‌ای دارد و چون فرستاده‌شان بیامد، کارها میان‌شان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند) ([50]).

وفي الحديث عن جابر، عن أبي جعفر (ع)، قال: (سألته عن تفسير هذه الآية: (لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)، قال (ع): (تفسيرها بالباطن، أن لكل قرن من هذه الأمة رسولا من آل محمد، يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، وهم الأولياء وهم الرسل، وأما قوله: (فإذا جاء رسولهم قضي بينهم بالقسط)، قال: معناه إن الرسل يقضون بالقسط وهم لا يظلمون كما قال الله) ([51]).

جابر از امام باقر (ع) روایت می‌کند: از تفسیر این آیه پرسیدم: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ». فرمود: «تفسیر باطنی آن این است که در هر قرنی برای این امت، فرستاده‌ای از خاندان محمد (ص) به سوی قرنی که او فرستاده‌ی آن است، خروج می‌کند. آنها اولیا و فرستادگان‌اند و اما این سخن خداوند «إِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» این است که فرستادگان با قسط و عدالت قضاوت و رهبری می‌کنند و همان‌طور که خداوند می‌فرماید، آنها مورد ظلم واقع نمی‌شوند» ([52]).

وهذا يكفي للاختصار، وإلا فإن الأمر سيطول إذا استعرضنا الأدلة القرآنية.

این موارد به اختصار، کفایت می‌کند و اگر بخواهیم دلایل قرآنی را برشمردیم مطلب به درازا خواهد کشید.

(ب) عن الرسول محمد (ص) وردت أحاديث كثيرة نقلها الشيعة والسنة تدل على وجود مهدي وقائم يسبق الإمام المهدي (ع)، وهو متصل به، ورسول منه (ع)، وهو يمينه ووصيه.

ب - از حضرت محمد (ص) احادیث زیادی از طریق شیعه و سنی نقل شده است که دلالت بر وجود یک مهدی و قائم قبل از امام مهدی (ع) می‌نمایند؛ او با امام زمان در ارتباط است و فرستاده‌ی وی (ع) و دست راستش و وصیش می‌باشد.

ووصية رسول الله (ص) دالة على هذا الشخص باسمه وصفته، وإنه المهدي الأول، واسمه أحمد، ومن ذرية الإمام المهدي (ع).

وصیت رسول اکرم (ص) به این شخص با اسم و صفت هدایت می‌کند؛ اینکه او مهدی اول است، نامش احمد و از نسل امام مهدی (ص) می‌باشد.

ووصف الأئمة (ع) أيضاً هذا الشخص الذي يرسله الإمام المهدي (ع) باسمه ومسكنه وصفاته، واسمه أحمد ومن البصرة و... و... وأعتذر عن نقل الأحاديث للاختصار، ولمزيد من المعلومات راجعي الكتب الصادرة عن أنصار الإمام المهدي (ع)، ومنها: البلاغ المبين، والرد الحاسم، والرد القاصم، وبعض البيانات التي تعرّضت فيها لبعض هذه الروايات التي نقلها كبار علماء الشيعة منذ مئات السنين، عن الرسول والأئمة كما نقل بعضها علماء السنة في كتبهم.

ائمه (ع) نیز این شخصی که امام مهدی (ع) او را می‌فرستد با اسم، محل سکونت و ویژگی‌هایش توصیف کرده‌اند؛ نامش احمد است، از بصره و... و... به جهت اختصار، از نقل احادیث معذورم، برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌های منتشر شده‌ی انصار امام

مهدی (ع) مراجعه کنید مانند «البلاغ المبین»، «الرد الحاسم» و «الرد القاصم» و بعضی از بیانیه‌هایی که در آنها به برخی از این روایات اشاره شده است؛ روایاتی که بزرگان علمای شیعه از صدها سال پیش از رسول خدا (ص) و ائمه (ع) روایت می‌کنند و بعضی از این روایت‌ها را علمای سنی نیز در کتاب‌هایشان روایت نموده‌اند.

ثانياً : في التوراة.

۲- سفر إشعيا: (فيرفع راية للأمم من بعيد ويصفر لهم من أقصى الأرض فإذا هم بالعجلة يأتون سريعاً ليس فيهم رازح ولا عاثر لا ينسون ولا ينامون ولا تتحل حزم أحقائهم ولا تنقطع سيور أحنيتهم الذين سهامهم مسنونة وجميع قسيهم ممدودة حوافر خيلهم تحسب كالصوان وبكراتهم كالزوبعة لهم زمجرة كاللبوة ويزمجرون كالشبل ويهرون ويمسكون الفريسة ويستخلصونها ولا منقذ يهرون عليهم في ذلك اليوم كهدير البحر ...) ([53]).

دوم: در تورات

۲ - سفر إشعيا: «۲۶ پس پرچمی برای امت‌های دور دست برپا می‌شود و از جای جای زمین برایشان فریاد خواهد زد ۲۷ ناگهان آنان به سرعت می‌آیند در حالی که در میان آنها شخص از پا افتاده‌ای وجود ندارد، نه چرت می‌زنند و نه می‌خوابند نه کمربندشان و نه بند کفششان پاره نمی‌شود ۲۸ کسانی که نوک تیرهایشان تیز و سُم اسب‌هایشان چون سنگ خارا است و چرخ‌هایشان مثل طوفان شمرده خواهد شد ۲۹ جوانانشان مثل طوفان هستند. مثل بچه شیر می‌غرند و به سرعت شکار خود را به چنگ می‌آورند و به سلامت می‌برند و رهاننده‌ای نخواهد بود ۳۰ و در آن روز بر ایشان چون دریا شورش خواهند کرد...» ([54]).

وهذه الصفات أي لا ينامون ... و... و...، هي صفات أصحاب القائم (ع) كما في الروايات عن آل محمد (ص) ([55])، فمن هو رافع الراية (فيرفع راية للأمم)؟!!

این ویژگی‌ها یعنی نمی‌خواهند و.... و.... و.... خصوصیات اصحاب قائم (ع) می‌باشد همان‌گونه که در روایات از آل محمد (ع) نقل شده است [56]. حال برپا کننده‌ی پرچم کیست؟ (پرچم را برای امت‌ها برخواهد افراشت):

أي الذي يطلب البيعة ويجمع الأنصار للإمام المهدي (ع) وعيسى وإيليا والخضر (ص).

یعنی کسی که از مردم بیعت می‌خواهد و انصار و یاران را برای امام مهدی (ع) و عیسی و ایلیا و خضر (ع) گرد خواهد آورد.

الأصاحاح الحادي عشر: (ويخرج قضيب من جذع يسي وينبت غصن من أصوله ويحل عليه روح الرب روح الحكمة والفهم روح المشورة والقوة روح المعرفة ومخافة الرب ولذته تكون في مخافة الرب فلا يقضي بحسب نظر عينيه ولا يحكم بحسب سمع أذنيه بل يقضي بالعدل للمساكين ويحكم بالإنصاف لبائسي الأرض ويضرب الأرض بقضيب فمه ويميت المنافق بنفخة شفثيه ويكون البر منطقة متنيه والأمانة منطقة حقويه. فيسكن الذئب مع الخروف ويربض النمر مع الجدي والعجل مع الشبل ... لا يسوؤون ولا يفسدون في كل جبل قدسي لأن الأرض تمتلئ من معرفة الرب كما تغطي المياه البحر.

باب یازدهم: « ۱ و از تنه‌ی یسی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت ۲ و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند ۳ و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود، صرفاً بر وفق مشاهده‌ی چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق سمع گوش‌هایش حکم نمی‌دهد ۴ بلکه مسکینان را با عدالت دآوری خواهد کرد و در میان بی‌نویان زمین با انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق با نفس لب‌هایش خواهد مرد ۵ کمر بند کمرش، عدالت و کمر بند میانش، امانت خواهد بود ۶ پس گرگ با گوسفندان سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و

گوساله با شیر... ۹ و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند زیرا زمین از معرفت پروردگار پُر می‌شود همان طور که آب، دریا را می‌پوشاند

۱۰

ویكون في ذلك اليوم أن أصل يسي القائم راية للشعوب إياه تطلب الأمم ويكون محله مجداً... ([57]).

و در آن روز ریشه‌ی یسی به عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امت‌ها فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود» ([58]).

وهذه الأحداث كلها ملائمة للقيامة الصغرى، ولم تحدث فيما مضى ولا تحدث إلا في دولة العدل الإلهي.

تمام این حوادث با قیامت صغری مناسبت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و جز در دولت عدالت الهی اتفاق نمی‌افتد.

أما يسي وهو في التوراة معروف أنه والد نبي الله داوود (ع)، وأم الإمام المهدي (ع) من ذرية داوود (ع).

اما یسی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود(ع) است و مادر امام مهدی(ع) از نسل داوود(ع) می‌باشد.

وقصتها باختصار شديد: (إنها أميرة جدّها قيصر الروم رأت في المنام نبي الله عيسى (ع) ووصيه شمعون الصفا والرسول محمد (ص)، وخطبها الرسول محمد (ص) من عيسى (ع) لولده الإمام الحسن العسكري (ع)، فقال عيسى (ع) لشمعون الصفا أو سمعان بطرس: قد جاءك شرف عظيم؛ لأنها من ذرية شمعون الصفا (سمعان بطرس) وصي عيسى (ع)، ورأت بعد ذلك رؤى كثيرة، وعرضت نفسها

للسبي، وحصلت لها معجزات كثيرة حتى وصلت إلى دار الإمام علي الهادي (ع)،
فزوجها من ابنه الإمام الحسن العسكري (ع)، وولدت له الإمام محمد بن الحسن
المهدي (ع) ([59]).

داستان آن به صورت کاملاً خلاصه به شرح زیر می‌باشد: «او ملکه‌ای است که
جدّش قیصر روم می‌باشد. در خواب، عیسی (ع) و جانشین وی یعنی شمعون صفا و
محمد (ص) را می‌بیند و حضرت محمد (ص) او را از حضرت عیسی (ع) برای فرزندش
امام حسن عسکری (ع) خواستگاری می‌کند. عیسی (ع) به شمعون صفا (سمعان
بطرس) می‌گوید: افتخار بزرگی نصیب شده است؛ چرا که وی (مادر امام زمان (ع)) از
نوادگان شمعون صفا (سمعان بطرس)، وصی و جانشین عیسی (ع) می‌باشد. بعد از این
رؤیا، رؤیاهای زیادی می‌بیند، خودش را اسیر می‌کند و معجزه‌های زیادی برایش اتفاق
می‌افتد تا به خانه‌ی امام علی هادی (ع) می‌رسد و آن حضرت وی را به همسری
فرزندش امام حسن عسکری (ع) درمی‌آورد و از او امام محمد بن الحسن المهدي (ع)
متولد می‌شود» ([60]).

**فالإمام المهدي محمد بن الحسن العسكري (ع) من ذرية إسرائيل (يعقوب
(ع)) من جهة الأم، ومن ذرية محمد (ص) من جهة الأب.**

پس امام مهدی محمد بن الحسن العسکری (ع) از ناحیه‌ی مادری جزو نوادگان
اسرائیل (یعقوب (ع)) و از ناحیه‌ی پدری از نوادگان محمد (ص) به شمار می‌رود.

فيصدق عليه أنه قضيب من جذع يسي.

پس اینکه حضرت مهدی (ص) شاخه‌ای از تنه‌ی یسی است، بر او صدق می‌کند.

كما يصدق على المهدي الأول من المهديين الاثني عشر أنه غصن يخرج من ذلك القضيب من جذع يسى؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي (ع).

همان گونه که این مورد بر مهدی اول از مهدیون دوازده گانه نیز صدق می کند؛ چرا که او نیز شاخه ای است که از شاخه ای از تنه ی یسی بیرون می آید؛ چرا که او از نسل امام مهدی (ص) است.

والمهدي الأول والذي اسمه أحمد كما في الروايات عن الرسول محمد (ص) والأئمة (ع)، هو رسول الإمام المهدي (ع) ووصيه ويمينه، وأول مؤمن به عند بداية ظهوره قبل قيامه بالسيف ([61])، وأكتفي بهذا القدر للاختصار، وإذا أردت المزيد اقرني في التوراة في سفر إشعيا الأصحاح الثالث عشر، والثاني والأربعين، والثالث والأربعين، والرابع والأربعين، والتاسع والأربعين، والثالث والستين، والخامس والستين، والسادس والستين وتدبريها جيداً.

مهدی اول که طبق روایات رسول اکرم (ص) و ائمه (ع)، نامش احمد است، فرستاده ی امام مهدی (ع) و وصی و نیز دست راست وی می باشد و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند به وی ایمان می آورد. به جهت اختصار، به این مقدار بسنده می کنم. اگر خواستار توضیحات بیشتر هستی به تورات سفر اشعیا، اصحاح های سیزدهم، چهل و دوم، چهل و سوم، چهل و چهارم، چل و نهم، شصت و سوم، شصت و پنجم و شصت و ششم مراجعه نما و در آنها به خوبی تدبّر کن.

۲- سفر دانیال: الأصحاح الثاني: (... أنت أيها الملك كنت تنتظر وإذا بتمثال عظيم كنت تنظر إلى أنه قطع حجر بغير يدين ف ضرب التمثال على قدميه التي من حديد وخزف فسحقهما فانسحق حينئذ الحديد والخزف والنحاس والفضة والذهب معاً وصارت كعصافاة البيدر في الصيف فحملتها الريح فلم يوجد لها مكان أما الحجر الذي ضرب التمثال صار جبلاً كبيراً وملاً الأرض كلها) ([62]).

۲ - سفر دانیال اصحاب دوّم: «... ۳۱ ای پادشاه تو در خواب مجسمه‌ی بزرگی دیدی... ۳۴ وقتی تو به آن نگاه می‌کردی، سنگی بدون این که کسی به آن دست بزند، به پاهای گلی و آهنین آن مجسمه اصابت کرد و آن مجسمه را درهم شکست. ۳۵ آن گاه آهن، گِل، برنج، نقره و طلا همه با هم خرد شدند و باد ذرات آن را همچون گرد و غباری که در تابستان از کاه خرمن برمی‌خیزد چنان پراکند که دیگر اثری از آن بر جای نماند. اما آن سنگی که به مجسمه برخورد کرد آن قدر بزرگ شد که مانند کوه بزرگی گردید و سراسر روی زمین را پوشانید...» ([63]).

فهذا الحجر الذي يقضي على مملكة الطاغوت والشيطان في هذه الأرض هو رسول من الإمام المهدي (ع) ومن عيسى وإيليا والخضر (ع).

این سنگی که حکومت طاغوت و شیطان را از بین می‌برد، فرستاده‌ای از سوی امام مهدی (ع) و عیسی و ایلیا و خضر (ع) می‌باشد.

الأصاحح السابع: (أجاب دانيال وقال كنت أرى في رؤياي ليلاً وإذا بأربع رياح السماء هجمت على البحر الكبير * وصعد من البحر أربعة حيوانات عظيمة هذا مخالف ذاك * الأول كالأسد وله جناحا نسر * وكنت انظر حتى أنتف جناحاه وانتصب على الأرض وأوقف على رجلين كإنسان وأعطي قلب إنسان * وإذا بحيوان آخر ثان شبيه بالدب فارتفع على جنب واحد وفي فمه ثلاث أضلع بين أسنانه فقالوا له هكذا قم كل لحماً كثيراً * وبعد هذا كنت أرى وإذا بآخر مثل النمر وله على ظهره أربعة أجنحة طائر. وكان للحيوان أربعة رؤوس وأعطي سلطاناً * بعد هذا كنت أرى في رؤى الليل وإذا بحيوان رابع هائل وقوي وشديد جداً وله أسنان من حديد كبيرة. أكل وسحق وداس الباقي برجليه. وكان مخالف لكل الحيوانات الذين قبله. وله عشرة قرون * كنت متأملاً بالقرون وإذا بقرن آخر صغير طلع بينها وقلعت ثلاثة من القرون الأولى من قدامه وإذا بعيون كعيون الإنسان في هذا القرن وفم متكلم بعظام *

باب هفتم: « ۲ دانیال پاسخ داد و گفت: شبگاهان در عالم رؤیا دیدم که ناگاه چهار باد آسمان بر دریای عظیم تاختند ۳ و چهار حیوان بزرگ که با هم فرق داشتند از دریا بیرون آمدند ۴ اولین آنها مثل شیر بود و بال‌های عقاب داشت و من نظر کردم تا بال‌هایش کنده شد و بر زمین برخاست و بر پایهای خود مثل انسان قرار گرفت و قلب انسان به او داده شد ۵ و اینک حیوان دوم مثل خرس بود و بر یک طرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندان‌هایش سه دنده بود و وی را چنین گفتند: برخیز و گوشت بسیار بخور ۶ بعد از آن نگریستم و اینک مثل پلنگ بود که بر پشتش چهار بال پرنده داشت و این حیوان وحشی چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد ۷ بعد از آن در رؤیاهای شب نظر کردم و اینک وحش چهارم که هولناک و مهیب و بسیار زورآور بود و دندان‌های بزرگ آهنین داشت و باقی‌مانده را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پاهایش پایمال می‌نمود و با همه‌ی وحوشی که قبل از او بودند، فرق داشت و او ده شاخ داشت ۸ پس در این شاخ‌ها تأمل می‌نمودم که اینک از میان آنها شاخ کوچک دیگری برآمد و پیش رویش سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ریشه کنده شد و اینک این شاخ، چشمانی مانند چشم انسان و دهانی که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود، داشت

كنت آري انه وضعت عروش وجلس القديم الأيام لباسه أبيض كالثلج وشعر رأسه كالصوف النقي وعرشه لهيب نار وبكراته نار متقدة * نهر نار جري وخرج من قدامه. ألوف ألوف تخدمه وربوات ربوات وقوف قدامه. فجلس الدين وفتحت الأسفار * كنت أنظر حين أذن من أجل صوت الكلمات العظيمة التي تكلم بها القرن. كنت أرى إلى أن قتل الحيوان وهلك جسمه ودفع لوقيد النار * أما باقي الحيوانات فنزع عنهم سلطانهم ولكن أعطوا طول حياة إلى زمان ووقت * كنت أرى في رؤى الليل وإذا مع سحب السماء مثل ابن إنسان أتى وجاء إلى القديم الأيام فقبوه قدامه * فأعطي سلطاناً ومجداً وملكوتاً لتتعبد له كل الشعوب والأمم والألسنة. سلطانه سلطان أبدي ما لن يزول وملكوته ما لا ينقرض * أما أنا دانيال فحزنت روحي في وسط جسمي وأفزعتني رؤى رأسي * فاقتربت إلى واحد من الوقوف وطلبت منه الحقيقة في كل هذا. فاخبرني وعرفني تفسير الأمور *

۹ و نظر می‌کردم تا کرسی‌ها برقرار شد و قدیم‌الایام جلوس فرمود. لباسش مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله‌های آتش و چرخ‌های آتش ملتهب بود ۱۰ نه‌ری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید ۱۱ آنگاه نظر کردم به سبب سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت. پس نگرستم تا آن وحش کشته شد و جسد او هلاک گردیده، به آتش مشتعل تسلیم شد ۱۲ اما سایر وحوش، سلطنت از ایشان گرفته شد، لکن درازی عمر به ایشان داده شد، تا زمانی و وقتی ۱۳ در رؤیای شب نگرستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و او را به حضور وی آوردند ۱۴ و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد ۱۵ اما روح من دانیال در جسد مدهوش شد و رؤیاهای سرم‌مرا مضطرب ساخت ۱۶ و به یکی از حاضرین نزدیک شده، حقیقت این همه امور را از وی پرسیدم. او به من تکلم نموده، تفسیر امور را برایم بیان کرد

هؤلاء الحيوانات العظيمة التي هي أربع ملوك يقومون على الأرض * أما قديسوا العلي فيأخذون المملكة ويمتلكون المملكة إلى الأبد وإلى أبد الأبدین * حينئذ رمت الحقيقة من جهة الحيوان الرابع الذي كان مخالفاً لكلها وهائلاً جداً وأسنانه من حديد وأظفاره من نحاس وقد أكل وسحق وداس الباقي برجليه * وعن القرون العشرة التي برأسه وعن الآخر الذي طلع فسقطت قدامه ثلاثة وهذا القرن له عيون وفم متكلم بعظام ومنظره أشد من رفاقه * وكنت أنظر وإذا هذا القرن يحارب القديسين فغلبهم حتى جاء القديم الأيام وأعطي الدين لقديسي العلي وبلغ الوقت فأمتك القديسون المملكة *

۱۷ که این وحوش عظیمی که عدد ایشان چهار است، چهار پادشاه می‌باشند که از زمین خواهند برخاست ۱۸ اما مقدسان حضرت اعلی سلطنت را خواهند گرفت و

مملکت را تا به ابد و تا ابدالآبدین متصرف خواهند بود ۱۹ آنگاه آرزو داشتیم که حقیقت امر را درباره‌ی وحش چهارم که مخالف همه‌ی دیگران و بسیار هولناک بود و دندان‌های آهنین و چنگال‌های برنجین داشت و سایرین را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پاهایش پایمال می‌نمود، بدانم ۲۰ و کیفیت ده شاخ را که بر سر او بود و آن دیگری را که برآمد و پیش روی او سه شاخ افتاد، یعنی آن شاخی که چشمان و دهانی را که سخنان تکبرآمیز می‌گفت داشت و نمایش او از رفقاییش سخت‌تر بود ۲۱ پس ملاحظه کردم و این شاخ با مقدّسان جنگ کرده، بر ایشان استیلا یافت ۲۲ تا حینی که قدیم الایام آمد و داوری به مقدّسان حضرت اعلیٰ تسلیم شد و زمانی رسید که مقدّسان ملکوت را به تصرف آوردند

فقال هكذا أما الحيوان الرابع فتكون مملكة رابعة على الأرض مخالفة لسائر الممالك فتأكل الأرض كلها وتدوسها وتسحقها * والقرون العشرة من هذه المملكة هي عشرة ملوك يقومون ويقوم بعدهم آخر وهو مخالف الأولين ويذل ثلاثة ملوك ويتكلم بكلام ضد العلي ويبلي قديسي العلي ويظن أنه يغير الأوقات والسنة ويسلمون ليده إلى زمان وأزمنة ونصف زمان * فيجلس الدين وينزعون عنه سلطانه ليفنوا ويبيدوا إلى المنتهى * والمملكة والسلطان وعظمة المملكة تحت كل السماء تعطى لشعب قديسي العلي. ملكوته ملكوت أبدي وجميع السلاطين إياه يعبدون ويطيعون * إلى هنا نهاية الأمر) ([64]).

۲۳ پس او چنین گفت: اما وحش چهارم، چهارمین سلطنت بر زمین خواهد بود و با همه‌ی سلطنت‌ها متفاوت خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پایمال نموده، پاره پاره خواهد کرد ۲۴ و ده شاخ این مملکت، ده پادشاه می‌باشند که خواهند برخاست و دیگری بعد از ایشان خواهد برخاست و او مخالف اولین خواهد بود و سه پادشاه را به زیر خواهد افکند ۲۵ و سخنان بر ضدّ حضرت اعلیٰ خواهد گفت و مقدّسان حضرت اعلیٰ را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمان‌ها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد ۲۶ پس دیوان

برپا خواهد شد و سلطنت او را از او گرفته، آن را تا به انتها تباه و تلف خواهند نمود ۲۷ و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمان‌ها است به قوم مقدّسان حضرت اعلیٰ داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالکت فقط او را عبادت و اطاعت خواهند نمود ۲۸ انتهای امر تا به اینجا است...» ([65]).

والأسد وله جناحان يرمز إلى الإمبراطورية الإنجليزية التي قامت في أوروبا وشعارها هو الأسد وله جناحان، وأما الدب فهو شعار السوفيت، وأكل لحماً كثيراً، أي قتل كثير من الناس أما الحيوان الرابع الذي من الحديد فهو الإمبراطورية الأمريكية التي داست الآن كل الأرض وهيمنت على كل الأرض بالسلاح والمال.

شیری با دو بال اشاره به امپراطوری انگلستان دارد که در اروپا قد علم کرد و سمبلش شیری با دو بال می‌باشد. اما خرس نماد شوروی است که گوشت زیادی می‌خورد یعنی مردمان زیادی را کشته است.... ولی حیوان چهارم که از آهن است، امپراطوری آمریکا می‌باشد که با اسلحه و ثروت به همه جای این دنیا تسلط پیدا کرده است و آن را لگد کوب می‌کند.

أما قديم الأيام فهو الإمام المهدي (ع)، ونهاية أمريكا كما قال دانيال تدفع لوقيد النار إن شاء الله.

قديم الايام همان امام مهدی (ع) است و همان طور که دانیال گفته است، در نهایت آمریکا در آتش خواهد سوخت، ان شاء الله.

والإمام المهدي (ع) وعيسى وإيليا والخضر (ع) يأتون في القيامة الصغرى وهي حساب وعذاب ونقمة على الظالمين، فهل يصح العذاب والنقمة قبل الإنذار؟ فمن المنذر؟

امام مهدی (ع) و عیسی و ایلیا و خضر (ع) در قیامت صغری می آیند؛ قیامتی که حساب، عذاب و نعمتی است برای ظالمان. آیا عذاب و نعمت قبل از هشدار دادن، درست است؟ پس بیم‌دهنده کیست؟

لابد أن يكون هناك رسول منهم (ع) يبشر وينذر الناس بين أيديهم، أي قبل ظهورهم، ويكفي هذا من التوراة للاختصار.

پس باید فرستاده‌ای قبل از ظهور ایشان (ع) باشد تا مردم را بیم و بشارت دهد. این مقدار به اختصار از تورات کافی است.

ثالثاً : في الإنجيل.

إنجيل متى الأصحاح الرابع والعشرين : (٦) وسوف تسمعون بحروب وأخبار حروب (١٥) فمتى نظرتم رجسة الخراب التي قال عنها دانيال النبي قائمة في المكان المقدس (٢٢) ولكن لأجل المختارين تقصر تلك الأيام ... لأنه كما أن البرق يخرج من المشارق ويظهر إلى المغرب هكذا يكون أيضاً مجيء ابن الإنسان وللوقت، بعد ضيق تلك الأيام تظلم الشمس والقمر لا يعطي ضوءه).

سوّم: در انجيل

انجيل متى باب بیست و چهارم: «و ... ٦ و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید... ١٥ پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده و در مکان مقدس موجود است ببینید... ٢٢ ولی به خاطر برگزیدگان آن روزها کوتاه خواهد شد... زیرا همچنان که برق از مشرق‌ها ساطع شده تا به مغرب‌ها ظاهر می‌شود آمدن پسر انسان نیز اینچنین خواهد بود... و بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد...».

وفي هذا الأصحاح علامات القيامة الصغرى يذكرها عيسى (ع)، كما ذكرها الرسول محمد والأئمة (ع)، حروب وكسوف وخسوف ([66])،..... ورجسة الخراب (أمريكا).... والمهم أنه عبّر عن بداية ظهوره من المشرق إلى المغرب، والمشرق نسبة إلى مكان عيسى (ع) في ذلك الزمان يكون العراق، والبرق الذي خرج من المشرق وظهر في المغرب هو إبراهيم، حيث خرج من العراق وظهر في الأرض المقدسة.

در این باب، عیسی (ع) نشانه های قیامت صغری را ذکر می کند همان طور که رسول خدا حضرت محمد (ع) و ائمه (ع) ذکر کرده اند، جنگ ها، خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی ([67])،.... و مکروه ویرانی (آمریکا).... مهم این است که وی در آغاز ظهورش از مشرق به سمت مغرب حرکت می کند و مشرق نسبت به مکان عیسی (ع) در آن زمان عراق می باشد، و نوری که از مشرق خارج و در مغرب ظاهر شده ابراهیم است که از عراق خارج و در سرزمین مقدس ظاهر شده است.

وقد قال عيسى (ع) عن يوحنا (يحيى): بأنه إيليا، أي مثل إيليا (ولكني أقول لكم أنّ إيليا قد جاء ولم يعرفوه بل عملوا به كل ما أرادوا. كذلك ابن الإنسان أيضاً سوف يتألم منهم حينئذٍ فهم التلاميذ أنه قال لهم عن يوحنا المعمدان) ([68]).

و عیسی (ع) درباره ی یوحنا (یحیی) گفته که او ایلیا یا مثل ایلیا است؛ «ولی اکنون به شما می گویم که ایلیا آمده است و او را نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی انجام دادند. به همین صورت پسر انسان نیز از ایشان آزار و اذیت خواهد دید. گویا شاگردان دریافتند که درباره ی یحیی تعمید دهنده به ایشان سخن می گفت....» ([69]).

وقال عيسى عن يوحنا (ع): (وإن أردتم أن تقبلوا فهذا هو إيليا المزمع يأتي من له أذنان للسمع فليسمع) ([70]).

عیسی (ع) درباره‌ی یوحنا می‌فرماید: «اگر خواستید قبول کنید این همان ایلیا است که انتظار آمدنش وجود دارد، هر که گوش شنوا دارد بیاید و بشنود» ([71]).

لذا فإنَّ الرسول الذي يرسله الإمام المهدي (ع) ومن معه، وهم عيسى وإيليا والخضر، وخروجه من العراق، يمكن أن يقال عنه أنه خروج عيسى (ع) بهذا المعنى، كما أن خروج يوحنا كان يمثل خروج إيليا في مرحلة معينة ويمكن أن يكون هذا الرسول من أمة أخرى، بل هو كذلك كما قال عيسى (ع): (لذلك أقول لكم إنَّ ملكوت الله ينزع منكم ويعطي لأمة تعمل أثاره) ([72]).

بنابراین خروج فرستاده‌ای که امام مهدی (ع) و کسانی که با او هستند یعنی عیسی و ایلیا و خضر (ع) می‌فرستند، از عراق خواهد بود، و می‌توان به این معنی، خروج او را خروج عیسی (ع) دانست، همان گونه که خروج یوحنا در یک مرحله‌ی مشخص بیانگر خروج ایلیا بود و ممکن است این فرستاده از ملت دیگری باشد همانطور که عیسی (ع) می‌فرماید: «از این رو به شما می‌گویم که ملکوت خداوند از شما گرفته می‌شود و به امتی که به ثمره‌اش عمل می‌کند، عطا خواهد شد» ([73]).

وقال عيسى (ع): (لذلك كونوا أنتم أيضاً مستعدين لأنه في ساعة لا تظنون يأتي ابن الإنسان فمن هو العبد الأمين الحكيم الذي أقامه سيده على خدمه ليعطيهم الطعام (أي العلم والمعرفة والحكمة) في حينه طوبى لذلك العبد الذي إذا جاء سيده يجده يفعل هكذا) ([74]).

و عیسی (ع) فرمود: «پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. پس آن غلام امین دانا کیست که آقایش او را تعیین کرده است تا بر بنده‌هایش طعام (یا همان علم و معرفت و حکمت) دهد. در این حال خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کاری مشغول یابد» ([75]).

فمن هو هذا العبد الأمين الحكيم؟ إلا أن يكون رسولاً من الإمام المهدي ومن عيسى وإيليا والخضر(ع).

این غلام امین دانا کیست؟ جز فرستاده‌ای از جانب امام مهدی، عیسی، ایلیا و خضر(ع)؟

وقال عيسى: (وأما الآن فأنا ماضي للذي أرسلني وليس أحد منكم يسألني أين تمضي ولكن لأنني قلت لكم هذا قد ملأ الحزن قلوبكم لكن أقول لكم الحق إنه خير لكم أن انطلق لأنه إن لم انطلق لا يأتيكم المعزي، ولكن إن ذهبت أرسله إليكم ومتى جاء ذاك يبكت العالم على خطيئة وعلى بر وعلى دينونة؛ أما على خطيئة فلأنهم لا يؤمنون بي؛ وأما على بر فلأنني ذاهب إلى أبي ولا ترونني أيضاً؛ وأما على دينونة فلأن رئيس هذا العالم قد دين) ([76]).

و عیسی(ع) فرمود: « ۵ اما الآن نزد فرستنده‌ی خود می‌روم و کسی از شما از من نپرسد به کجا می‌روی ۶ ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است ۷ و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما بهتر است؛ زیرا اگر نروم تسلّی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم ۸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود ۹ اما بر گناه؛ زیرا آنها به من ایمان نمی‌آورند ۱۰ و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید ۱۱ و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است» ([77]).

فمن هذا المعزي الذي يرسل؟ ومن هذا الذي يبكت العالم على خطاياهم وتكذيبهم الأنبياء والرسل وقتلهم، وعلى تركهم حق الأنبياء ووصاياهم، وعلى تضييعهم حظهم في القيامة الصغرى، وخذلانهم رئيس هذا العالم وهو الإمام المهدي (ع)، وقال عيسى (ع): (إن لي- أمور كثيرة أيضاً لأقول لكم ولكن لا تستطيعون أن تحملوا الآن، وأما متى جاء ذاك روح الحق فهو يرشدكم إلى جميع الحق لأنه لا يتكلم من نفسه بل كل ما يسمع يتكلم به ويخبركم بأمور كثيرة ذلك يمجدني لأنه يأخذ مما لي ويخبركم) ([78]).

این تسلی دهنده که فرستاده می شود کیست؟ و این فردی که اهل جهان را به جهت گناهانشان و تکذیب انبیا و رسولان و قتل آنان و نپذیرفتن حقیقت انبیا و وصیت هایشان و برای ضایع کردن بهره ی آنها در قیامت صغری و بی حرمتی شان به رئیس این جهان یعنی امام مهدی (ع) سرزنش و توبیخ می کند، کیست؟ عیسی (ع) می فرماید: «۱۲ و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، ولی الآن طاقت تحمل شان را ندارید ۱۳ ولی هنگامی که او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه فقط به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور بسیاری به شما خبر خواهد داد ۱۴ او مرا جلال خواهد داد زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد» ([79]).

و عن أبي عبد الله (ع)، قال: (العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين، حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً) ([80]).

از ابو عبد الله (ع) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه ی آن چیزی که انبیا آورده اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج می کند و آن را بین مردم منتشر می کند و این دو حرف را نیز به آن می پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود» ([81]).

وأظن ما تقدّم وإن كان مختصراً يكفي لمن يطلب الحق والحقيقة، وإذا أردت المزيد ففي رؤيا يوحنا اللاهوتي الكثير لمن يطلب الحقيقة، لم أتعرض له للاختصار.

فکر می‌کنم توضیحاتی که دادم هر چند مختصر بود ولی برای کسی که طالب حق و حقیقت است کافی باشد. اگر توضیحات بیشتری خواستید در رؤیای یوحنا لاهوتی مطالب بسیاری برای کسی که طالب حقیقت است وجود دارد و من جهت اختصار از آوردن‌شان صرف نظر می‌کنم.

وأذكرك أن اليهود لما بعث الله عيسى (ع) قالوا: (أ من الناصرة يخرج شيء صالح) ([82])، وقالوا: (فتش وانظر إنه لم يقم نبي من الجليل) ([83])، وقالوا: (وهل المسيح من الجليل يأتي ألم يقل الكتاب إنه من نسل داوود من بيت لحم القرية التي كان داوود فيها يأتي المسيح) ([84]).

یادآور می‌شوم هنگامی که عیسی (ع) مبعوث شد، یهود گفتند: «آیا از ناصره چیز صالحی خارج می‌شود؟» ([85]) و گفتند: «تحقیق کنید و ببینید که هیچ پیغمبری از جلیل نبوده است» ([86]) و گفتند: «و آیا مسیح از جلیل می‌آید؟ آیا کتاب نگفت که او از نسل داوود از بیت لحم است؟ مسیح از روستایی که داوود در آن بوده است، می‌آید؟» ([87]).

وأخيراً نصيحتي لك أن تتدبري هذه الكلمات ... في التوراة مكتوب: (توكل عليّ بكل قلبك ولا تعتمد على فهمك في كل طريق. اعرفني وأنا. أقوم سبيلك، ولا تحسب نفسك حكيمًا، أكرمني وأدب نفسك بقولي).

أحمد الحسن

و در انتها نصیحت من به شما این است که در این سخنان نیک بیندیشی... در تورات آمده است: «با تمام قلبت به من توکل کن و به فهم و اندیشه‌ی خود اعتماد مکن. در همه‌ی راه‌ها مرا بشناس و من راه را به تو نشان خواهم داد. خود را حکیم مپندار، مرا گرامی بدار و خودت را با سخن من تأدیب نما».

أحمد الحسن



[42] - الدخان: 10 - 16.

[43] - دخان: 10 تا 16.

[44] - الإسراء: 15.

[45] - إسراء: 15.

[46] - عن زرارة وحمران ومحمد بن مسلم، عن أبي جعفر وأبي عبد الله (عليهما السلام) في قوله تعالى: "يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا" قال: (طلوع الشمس من المغرب، وخروج الدابة، والدخان، والرجل يكون مصرراً ولم يعمل على الايمان ثم تجئ الآيات فلا ينفعه إيمانه) بحار الأنوار: ج 6 ص 312.

وجاء في شرح إحقاق الحق: (في "الدخان" علي بن الحسين: هو دخان يجئ قبل القيامة يأخذ بأنفاس الكفار) شرح إحقاق الحق للسيد المرعشي: ج 28 ص 98.

[47] - الجمعة: 1 - 4.

[48] - جمعه: 1 تا 4.

[49] - يونس: 47.

[50] - يونس: 47.

[51] - تفسير العياشي: ص 119، بحار الأنوار: ج 24 ص 306.

[52] - تفسير عياشي: ص 119 ؛ بحار الانوار: ج 24 ص 306.

[53] - الأصحاح الخامس: 26 - 30.

[54] - اصحاح پنجم: 6 تا 30.

[55] - لقد وردت روايات في فضل أصحاب القائم (ع)، منها ما رواه الصدوق عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله (ع): (ما كان قول لوط (ع) لقومه (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ) إِلَّا تَمَنِيَا لِقُوَّةِ الْقَائِمِ (ع) وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدَّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ، وَلَوْ مَرَوْا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا، وَلَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ) كمال الدين وتمام النعمة: ص 673.

[56] - در مورد فضایل یاران قائم (ع) روایاتی وارد شده است؛ از جمله روایتی که صدوق از ابو بصیر نقل کرده است که گفت: ابو عبدالله (ع) فرمود: «این سخن لوط به قومش (کاش در برابر شما قدرتی می داشتیم یا می توانستیم به رکن شدید پناه ببرم)» نبود مگر آرزوی او بر داشتن نیروی قائم (ع) و ذکر بر شدت یاران او؛ هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را خواهد داشت، قلبش از زبرجد سخت تر است، اگر بر کوه های آهن عبور کنند، ریشه کن شان کنند و شمشیرهای خود را بر زمین نگذارند تا خداوند عزوجل راضی شود» کمال الدين و تمام النعمة: ص 673.

[57] - الأصحاح الحادي عشر: 1 - 10.

[58] - اصحاح یازدهم: 1 تا 10.

[59] - راجع: کمال الدين: ص 417، باب ما روي في السيدة نرجس أم القائم (عليهما السلام).

- [60] - رجوع نماید به کمال الدین: ص 417 باب «آنچه درباره‌ی سیده نرجس مادر قائم ع روایت شده است».
- [61] - راجع: إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)، فلقد بینوا فیها ما ذکره (ع).
- [62] - الأصحاح الثاني: 31 - 36.
- [63] - اصحاح دوم: 31 تا 36.
- [64] - سفر دانیال الأصحاح السابع.
- [65] - سفر دانیال اصحاح هفتم.
- [66] - راجع علامات الظهور التي ذكرها النبي (ص) وأله الطاهرين (ع) في مصادر المسلمين. وقد ذكر الكثير منها السيد أحمد الحسن (ع) في كتاب العجل: ج 2 فراجع.
- [67] - به علامت‌های ظهور که پیامبر ص و اهل بیت طاهر او (ع) در منابع مسلمانان مراجعه نمایند. سید احمد الحسن (ع) بسیاری از آنها را در کتاب فتنه‌ی گوساله جلد 2 توضیح داده‌اند.
- [68] - إنجيل متي الأصحاح السابع عشر.
- [69] - انجيل متى اصحاح هفدهم.
- [70] - الأصحاح الحادي عشر.
- [71] - اصحاح يازدهم.
- [72] - متي الأصحاح الحادي والعشرون.
- [73] - متى: اصحاح بيست و يكم.
- [74] - في الأصحاح الرابع والعشرون.
- [75] - اصحاح بيست و يكم.
- [76] - إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر.
- [77] - انجيل يوحنا اصحاح شانزدهم.
- [78] - إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر.
- [79] - انجيل يوحنا اصحاح شانزدهم.
- [80] - مختصر بصائر الدرجات: ص 117، بحار الأنوار: ج 52 ص 336.
- [81] - مختصر بصائر الدرجات: ص 117 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 336.
- [82] - يوحنا الإصحاح الاول - آية : 46.
- [83] - يوحنا الإصحاح السابع - آية : 52.
- [84] - يوحنا الإصحاح السابع - آية : 41 - 42.
- [85] - يوحنا اصحاح اول - آيه: 46.
- [86] - يوحنا اصحاح هفتم - آيه: 52.
- [87] - يوحنا اصحاح هفتم - آيه: 41 و 42.